

اثر مدیریت سود بر پیچیدگی و طول متن گزارشگری مالی شرکت‌ها

متین قاسمی^۱

شهره شیری^۲

مصطفی قاسمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

چکیده

بحران‌های مالی اواخر دهه ۱۹۹۰ ارزش و اهمیت گزارش‌های مالی شفاف و استاندارد را بیش از پیش نمایان کرد. بررسی و تحلیل آنچه در بحران و رسوایی شرکت انرون و ورلد کام رخ داد نشان می‌دهد که مدیران با استفاده از افشای پیچیده و طولانی، برخی از اطلاعات موردنظر خود را از نظر سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان مخفی نگه می‌دارند تا اخبار بد یا عملکرد بد آن‌ها در گزارش‌های شرکت به سادگی مشخص نشود. این مدیران گزارش‌های شرکت را طوری افشا می‌کنند که از نظر مراجع قانونی پذیرفته شود اما در مواردی با استفاده از افشای طولانی راه را برای تحلیل سرمایه‌گذاران و ذینفعان دشوار می‌نمایند. مدیران شرکت‌هایی که مبادرت به مدیریت سود کرده‌اند نیز با وجود اینکه اخبار خوب را افشا می‌کنند، انگیزه دارند که ابزارهای دسترسی به این اخبار را مخفی نگه دارند. به عبارت دیگر زمانی که مدیران اقدام به مدیریت سود می‌کنند، تلاش می‌کنند گزارش‌ها را با خوانایی کمتری ارائه کنند تا تشخیص رفتار آن‌ها در مدیریت سود دشوار باشد؛ به عبارت دیگر هنگامی که عملکرد واقعی شرکت با آنچه گزارش می‌گردد متفاوت است، این انگیزه در مدیران وجود دارد تا با پیچیده و سخت‌تر کردن گزارش‌های مالی شناسایی رفتار مدیریت سود را بر سرمایه‌گذاران سخت نمایند.

واژگان کلیدی

مدیریت سود، گزارشگری مالی، خوانایی گزارشگری مالی، پیچیدگی

۱. دانشجوی دکترا، گروه حسابداری دانشگاه آزاداسلامی واحد بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول: Matin.ghasemi1987@gmail.com)

۲. دانشجوی دکترا، گروه حسابداری دانشگاه آزاداسلامی واحد بوشهر، ایران.

۳. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاداسلامی واحد بوشهر، ایران.

مقدمه

اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل هزاره جدید، جهان شاهد بحران ها و رسوایی دو کمپانی غول آسای انرون^۱ و ورلد کام^۲ و دیگر شرکت های کوچکتر بود. رسوایی شرکت انرژی انرون، مستقر در هوستون تگزاس که در اکتبر ۲۰۰۱ فاش و در نهایت به ورشکستگی این شرکت منجر شد، یکی از بدترین رسوایی های حسابداری تاکنون است. ماجرای انرون علاوه بر اینکه یکی از بزرگ ترین ورشکستگی های ناشی از تغییر ساختار در تاریخ آمریکا بود، شکست بزرگی در حوزه حسابداری نیز محسوب می شود. چند سال پس از تأسیس شرکت انرون، جفری اسکیلینگ، به عنوان مدیرعامل روی کار آمد و گروهی از مدیران را همراه خود آورد که به کمک سندسازی های حسابداری و گزارش های مالی ضعیف و اشتباه توانستند میلیاردها دلار بدهی شرکت را که ناشی از پروژه ها و قراردادهای شکست خورده بود، پنهان سازی کنند. وقوع این رسوایی های مالی باعث نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی حسابداری، گزارشگری مالی و حسابرسان این شرکت ها شد. پیامد این نگرانیها به شکل تغییرات بنیادی و گسترده در حوزه نظارت بر شرکتها نمود یافت (علوی طبری و همکاران، ۱۳۹۰). بررسی علت ها و شرایط وقوع فروپاشی ها مشخص کرده است که در شرایط نبود نظارت بر مدیریت حاکمیت ناقص سهامداران بر چگونگی اداره کارها و سپردن اختیارات نامحدود به مدیران اجرایی، زمینه مساعدی برای سوءاستفاده آنان را فراهم کرده است. جلوگیری از بروز چنین وضعیتی مستلزم اشراف صحیح سهامداران از طریق نظارت دقیق بر هیئت مدیره و حسابرسی منظم شرکتهاست (بنویدی، ۱۳۸۵). بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، محصول نهایی فرایند حسابداری ارائه اطلاعات مفید به طیف گسترده ای از استفاده کنندگان برای کمک به تصمیم گیری است.

گزارش های مالی با مقاصد عمومی، باید اطلاعات را به نحوی ارائه دهند که پاسخگوی نیازها و متناسب با دانش پایه ای استفاده کنندگان آنها و بیان کننده ماهیت اطلاعات ارائه شده باشد. گزارش های مالی برای رفع نیازهای استفاده کنندگان مختلف با میزان آگاهی متفاوت از فعالیت های واحد گزارشگر تهیه می شود. از این رو اطلاعات مندرج در گزارش های مالی عموماً بر اساس این فرض تهیه می شود که استفاده کنندگان از دانش متعارفی درباره فعالیت های واحد گزارشگر و نحوه حسابداری برخوردارند و همچنین، توانایی مطالعه اطلاعات و تمایل به انجام این کار را نیز دارند. در عین حال، اطلاعات پیچیده ای که برای رفع نیازهای استفاده کنندگان مربوط تلقی می شود، نباید به بهانه اینکه درک آن برای برخی از استفاده کنندگان مشکل است، از صورت های مالی حذف شود؛ گرچه این گونه اطلاعات نیز باید تا حد امکان به گونه ای ساده ارائه شود. کیفیت گزارشگری مالی فقط در قالب اعداد بیان نمی شود و شامل متن نیز هست. بر این اساس، هرچه خوانایی صورت های مالی بیشتر باشد، کیفیت آن افزایش می یابد؛ در نتیجه به درک بهتر سرمایه گذاران منجر می شود (علی خانی، ۱۳۹۶).

1. Enron
2. WorldCom

باتوجه به اینکه بازار به اطلاعاتی که دشوارتر از حد معمول ارائه می شود، واکنش مطلوبی نشان نمی دهد، مدیران انگیزه پیدا می کنند برای پنهان کردن برخی از اطلاعات موردنظرشان، گزارش های خود را پیچیده تر و طولانی تر ارائه دهند. به همین جهت هنگامی که اقدام به مدیریت سود می کنند، تمایل دارند اطلاعات مرتبط با این موضوع را از دید استفاده کنندگان پنهان نگهدارند و اقدام به افشای پیچیده تر با متون طولانی و ناخوانا می کنند تا استفاده کنندگان از این گزارش ها نتوانند به اقدامات آنان در جهت مدیریت سود پی ببرند. افشاء اطلاعات معمولاً از سه بخش شامل محتوا، زمان بندی و نحوه ارائه اطلاعات تشکیل شده است که سودمندی هر یک از آن ها به خوانایی و قابلیت فهم گزارش های مالی بستگی دارد (کورتیس، ۲۰۰۴). هرچند مدیران، گزارش های شرکت را طوری افشا می کنند که از نظر مراجع قانونی مورد قبول باشد، اما در مواردی از افشای پیچیده و طولانی استفاده می کنند تا برخی از اطلاعات موردنظر خود را از نظر سرمایه گذاران و سایر ذی نفعان مخفی نگه دارند و اخبار بد یا عملکرد بد آن ها در گزارش های شرکت به آسانی مشخص نشود (لی، ۲۰۰۸). در تحقیقاتی که درباره استفاده مدیران از افشای پیچیده انجام شده است، نمونه هایی مشاهده می شود که دربرگیرنده شرکت هایی است که اقدام به مدیریت سود کرده اند و مدیرانشان تمایل دارند سود را بیش از مقدار واقعی آن گزارش کنند. هرچند در این موارد، مدیران واحدهای تجاری اخبار خوبی را افشا می کنند، اما انگیزه دارند که ابزارهای دسترسی به این اخبار را مخفی نگه دارند؛ بنابراین زمانی که مدیران اقدام به مدیریت سود می کنند، تلاش می کنند گزارش های مالی خود را به نحوی ارائه کنند که خوانایی کمتری داشته باشد و به عبارتی پیچیده تر و طولانی تر باشد تا اقدام آن ها در جهت مدیریت سود در میان زیادی متن و پیچیدگی آن پنهان شود (لی، ۲۰۰۸). به عبارت دیگرگاهی مدیران به شکل استراتژیک از سطح خوانایی گزارش های مالی شرکت، به عنوان ابزاری در جهت پنهان کردن مدیریت سود و گمراه کردن سرمایه گذاران استفاده می کنند.

پژوهش های حسابداری در حوزه مدیریت سود، از جمله تحقیقات اثباتی حسابداری است. از زمان ارائه نظریه حسابداری سیاسی و قراردادی توسط واتر و زیمرمن در اواخر دهه ۱۹۷۰، رویکرد مدیریت سود فرصت طلبانه همواره موضوع مورد بحث در بسیاری از مطالعات حسابداری بوده است.

بر اساس این رویکرد، هرگاه میان واحد تجاری و گروه های مختلف، قراردادی تنظیم شود و مبنای تنظیم این قرارداد ارقام حسابداری باشد، در آن صورت مدیر در تلاش خواهد بود با دستکاری در آن ارقام، به خواسته های شخصی خود، نظیر پاداش بیشتر، دست یابد. علاوه بر این، وجود تضاد منافع بین مدیران و مالکان باعث می شود که صداقت و درستی مدیران در گزارش جنبه های مختلف عملکرد شرکت، مورد تردید باشد؛ زیرا مدیران معمولاً تمایل دارند اطلاعات در خصوص عملکرد مثبت شرکت را افشاء نموده، اطلاعات مرتبط با عملکرد ضعیف خود را پنهان نمایند. همچنین می توان گفت که مدیران به طور آگاهانه و یا ناآگاهانه، اقدام به تفسیر مغرضانه گزارش های سالانه می نمایند تا بدین طریق، عملکرد ضعیف خود را پنهان نموده و در مقابل، موفقیت های خود را بیشتر آشکار سازند.

به طور کلی، برای تحریف واقعیت و پنهان نمودن عملکرد ضعیف مدیران دو روش وجود دارد نخستین روش، تحریف اطلاعات شفاهی و عددی و یا استفاده از عبارات استعاری است. بدین منظور، باید واژگان مثبت و یا عملکرد مالی مثبت شرکت مورد تأکید قرار گیرد و یا اینکه، عملکرد شرکتیایی مقایسه شود که وضعیت فعلی را در بهترین شرایط ممکن نشان دهد. شیوه دوم، استفاده شرکت های مالی از طریق بکارگیری جملات طولانی و پیچیده در تحریف نمودن سهولت خوانایی گزارش های مالی است چرا که تحقیقات صورت گرفته اذعان دارند که گزارش برای بسیاری از سهامداران به آسانی قابل درک نیست (مرک- دیویس و برنان، ۲۰۰۷)؛ بنابراین، پیچیدگی گزارش های مالی منجر به عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران شده و در نتیجه، تضاد منافع را به همراه خواهد داشت.

خوانایی گزارشگری مالی

خوانایی، تصمیمات سرمایه گذاران را تحت تاثیر قرار می دهد و خوانایی کم، احتمالاً مانع از درک سرمایه گذاران نسبت به گزارش های مالی می شود. استفاده کنندگان صورت های مالی، به خصوص سرمایه گذاران، برای تأمین نیازهای اطلاعاتی و تصمیم گیری صحیح، اطلاعات ارائه شده توسط شرکت ها را ارزیابی می کنند. اگر قرار باشد این اطلاعات در تصمیم گیری مفید واقع شود، آنان باید قادر به درک آن باشند. ارزش اطلاعات موجود در متن، تنها زمانی به طور کامل تشخیص داده می شود که قابلیت خوانایی متن، بالا باشد. خوانایی یک ویژگی اطلاعاتی است که به صورت کیفی اندازه گیری می شود. هنگام مطالعه هر متن برای خواننده حسی درباره میزان پیچیدگی یا سادگی متن ایجاد می شود که در فهم مطالب تأثیر بسزایی دارد. این در واقع همان سطح خوانایی متن است. در ادبیات حسابداری و مالی نیز، شناخت عواملی که صورت های مالی را از نظر استفاده کنندگان، دشوار یا آسان می کند و خوانایی گزارشگری مالی، از مسائل مهمی است که همواره درخور توجه پژوهشگران بوده است؛ به طوری که پژوهش های صورت گرفته درباره پیامدهای خوانایی گزارش های مالی نشان می دهد که خوانایی تأثیرات بسزایی بر پایداری سود، پوشش، پراکندگی و صحت پیش بینی سود تحلیلگران، نقدشوندگی سهام و مالکیت نهادی، پیش بینی های مدیریتی و احتمال گزارشگری متقلبانانه دارد. (پیتة نوئی و صفری گرایلی، ۱۳۹۷)

پیچیدگی گزارشگری مالی

کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا درباره گزارش های پیچیده شرکتی، بسیار سخت گیرانه برخورد می کند. این کمیسیون در سال ۱۹۶۷ یک گروه مطالعاتی را به منظور ارائه رهنمودهایی در جهت بهبود خوانایی و قابلیت فهم رویه های افشای شرکت ها تشکیل داد. نتایج این گزارشات که در سال ۱۹۶۹ با عنوان گزارش ویت منتشر شد، توصیه می کرد از آنجا که همه سرمایه گذاران قادر به فهم سریع گزارشات پیچیده شرکت ها نیستند، لذا شرکت ها باید از انتشار گزارش های پیچیده، طولانی و یا زاید، خودداری نمایند (آجینا و همکاران، ۲۰۱۶). با توجه به تناسب ۸۰ به ۲۰ متن به اعداد کمی در گزارش های سالانه، چارلز کریستوفر کاکس^۱، رییس اسبق کمیسیون بورس اوراق بهادار

1. Charles Christopher Cox

آمریکا، پیشنهاد استفاده از اقداماتی برای تقویت گزارش به زبان انگلیسی ساده را داشته است. به نظر می‌رسد که کمیسیون بورس اوراق بهادار بر این باور است که «دوره اصطلاحات دهن‌پرکن حقوقدانان به پایان رسیده است». تمایل به افشا با واژه‌های دشوار ناشی از این حقیقت است که هدف اصلی از گزارشگری مالی از تمرکز به اطلاع‌دهی به سرمایه‌گذاران به اطمینان بخشی در مقابل ادعاهای سیاسی تغییر یافته است. (لو و دیگران، ۲۰۱۷)

تکنیک‌های خوانایی سنجی مختلفی برای تحلیل محتوای متون وجود دارد که در این بین شاخص فوگ (Fog Index) در حسابداری از اقبال زیادی برخوردار بوده است. این شاخص توسط گانینگ فوگ (Gunning's Fog, 1951) و با هدف ارزیابی و تعیین سطح خوانایی مطالب کتاب‌های درسی بر اساس کلاس‌های آموزش رسمی طراحی شد. بعبارت دیگر، هدف اصلی این شاخص، ارزشیابی و تعیین سطح کلاسی مطالب کتاب‌هاست و به این سؤال جواب می‌دهد که مطالب مناسب کدام کلاس از پایه تحصیلی آموزش و پرورش رسمی است. (فضل الهی و ملکی توانا، ۱۳۸۹).

تقلب مطابق آنچه در تعریف اخیر انجمن حسابداری آمریکا بیان شده است فعل عمدی است «که به تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی مورد حسابرسی منجر می‌شود». تحریف با اهمیت در ارتباط با تقلب، از طریق سوءاستفاده از دارایی‌ها و گزارشگری مالی متقلبانه رخ می‌دهد. گزارش‌های مالی متقلبانه (مانند تقلب مدیریت) نیز از طریق دستکاری یا تغییر در ثبت‌های حسابداری، کاربرد نادرست اصول حسابداری به طور عمدی مانند افراط و تفریط در برآوردهای حسابداری و حذف یا ارائه نادرست اطلاعات بااهمیت در صورت‌های مالی رخ می‌دهد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش:

خوانایی گزارشگری مالی

خوانایی گزارشگری مالی به عنوان یکی از معیارهای مهمی که کیفیت گزارش‌های مالی را افزایش می‌دهد، شایان توجه بسیاری از پژوهشگران است. خوانایی یک ویژگی اطلاعاتی است که به صورت کیفی اندازه‌گیری می‌شود. هنگام مطالعه هر متن برای خواننده حسی درباره میزان پیچیدگی یا سادگی متن ایجاد می‌شود که در فهم مطالب تأثیر بسزایی دارد. این در واقع، همان سطح خوانایی متن است. شواهد تجربی موجود نشان می‌دهد هرچه پیچیدگی متن کمتر باشد؛ میزان درک آن بالاتر می‌رود. در ادبیات حسابداری و مالی نیز، شناخت عواملی که درک صورت‌های مالی را از نظر استفاده کنندگان، دشوار یا آسان می‌کند و خوانایی گزارشگری مالی، از مسائل مهمی است که همواره درخور توجه پژوهشگران بوده است؛ به طوری که پژوهش‌های صورت گرفته درباره پیامدهای خوانایی گزارش‌های مالی نشان می‌دهد خوانایی تأثیرات بسزایی بر پایداری سود، پوشش، پراکندگی و صحت پیش‌بینی سود تحلیلگران، نقدشوندگی سهام و مالکیت نهادی، پیش‌بینی‌های مدیریتی و احتمال گزارشگری متقلبانه دارد. در تعریف خوانایی آمده است که خوانایی به احتمال موفقیت خواننده در خواندن و درک یک متن یا نوشته اشاره دارد. خوانایی در گزارشگری مالی نیز «شفافیت متن و موفقیت در قابل فهم بودن اطلاعات مالی» تعریف شده است که کمک شایانی به درک اعداد و ارقام مندرج در صورت‌های مالی می‌کند و از این رو، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

نحوه محاسبه خوانایی گزارش

در زبان‌شناسی محاسباتی، شاخص فوگک تابعی از تعداد واژه‌های هر جمله به علاوه درصد کلماتی که پیچیده و چندسیلابی هستند می‌باشد. این شاخص برای اولین بار توسط لی در سال ۲۰۰۸ وارد پژوهش‌های حسابداری شد که چگونگی اثر خوانایی گزارش‌های مالی بر عملکرد مالی را بررسی نمود. لی به این نتیجه رسید که بین سودآوری و شاخص فوگک ارتباط وجود دارد و شرکت‌های سودآور دارای گزارش‌گری مالی با پیچیدگی کمتری در مقایسه با شرکت‌های دارای زیان هستند. نتیجه تحقیق لی و بلومفیلد در سال ۲۰۰۸ به این شرح است که اولاً مدیران تلاش می‌کنند اخبار بد را با متن سخت پوشش دهند و دوماً ممکن است اخبار بد سخت باشد. وی ماهیت محافظه‌کاری را مستلزم این می‌داند که مدیران در مورد آینده زمانی که زیان وجود دارد توضیح بیشتری داده و معتقدند شرکت اگر زیان‌ده باشد توضیحات بیشتری را در گزارشگری مالی خود ارائه می‌دهد. (جبارزاده کنگرلویی، متوسل، بهنمون، ۱۳۹۷)

برای سنجش خوانایی گزارشگری مالی از چه شاخص‌هایی استفاده می‌کنند؟

برای اندازه‌گیری خوانایی گزارشگری مالی از دو شاخص زیر که روایی و اعتبار آن برای سنجش خوانایی متون فارسی توسط برخی از محققان داخلی نظیر فضل‌الهی (۱۳۸۹) و دیانی (۱۳۶۹) مورد تأیید قرار گرفته‌است، استفاده می‌کنند:

شاخص اول خوانایی، شاخص فلش-دیانی است که تابعی از دو متغیر میانگین طول جملات در هر یکصد کلمه و میانگین طول کلمات موجود در یکصد کلمه، یا میانگین تعداد هجاهای کلمات می‌باشد. متغیر اول با علامت اختصاری SL و متغیر دوم با علامت اختصاری WL در مدل‌ها نمایش داده می‌شود.

فرمول فلش دیانی جهت محاسبه پیچیدگی نوشته‌های فارسی (دیانی، ۱۳۶۹) به شکل زیر است:

$$\text{Read-Flesch} = (262.835 - 0.846WL) - 1.015SL$$

اعداد ثابت در فرمول تابعی از واقعیات زبانی هر زبان است؛ به عنوان مثال اولین مقدار ثابت، تابعی است از دامنه هجاهای موجود در هر یکصد کلمه که در زبان‌های مختلف متفاوت است. چنانچه در فرمول فوق مشاهده می‌شود، این عدد برای زبان فارسی ۲۶۲/۸۳۵ می‌باشد.

دومین شاخص محاسبه خوانایی، شاخص طول سند می‌باشد که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{Read-Length} = \ln(\text{Words})$$

که در این رابطه $\ln$ نماد لگاریتم طبیعی و Words تعداد کلمات متن است. باتوجه به اینکه نرم‌افزاری برای شمارش تعداد کلمات متون فارسی در دسترس نیست و شمردن تک تک کلمات متن گزارش به شدت وقت‌گیر و همراه با خطای زیاد است، ابتدا میانگین تعداد کلمات در هر خط برای سه نمونه صد کلمه‌ای انتخاب شده از متن محاسبه می‌شود. سپس تعداد خطوط متن گزارش، شمارش شده و در آن ضرب می‌شود تا میانگین تعداد کلمات متن گزارش حاصل شود. (احمدی، قائمی، ۱۳۹۷)

مدیریت سود

شیپر^۱ (۱۹۸۹) مدیریت سود را دخالت هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی برون سازمانی با هدف تحصیل منافع شخصی تعریف نموده و اسکات^۲ (۲۰۰۹) مدیریت سود را انتخاب رویه های حسابداری توسط مدیر معرفی می کند که به واسطه این انتخاب به اهداف خاصی نائل گردد. مدیریت سود با تقلب و تحریف صورتهای مالی متفاوت است چرا که مدیریت سود کاملاً در چارچوب استانداردهای حسابداری انجام می شود. هموارسازی سود^۳ نیز یکی از انواع رایج روشهای مدیریت سود به شمار می رود. هدف از هموار کردن سود ایجاد جریان رشد ثابت و کاهش نوسان سود است. مدیریت سود یکی از شاخص های اندازه گیری کیفیت سود در نظر گرفته می شود. به این معنی که سودهایی که کمتر مدیریت شوند، از کیفیت بالاتری برخوردار هستند. (بنی مهد، عربی و حسن پور، ۱۳۹۷)

مدیریت سود به دلیل اینکه تصویر نادرستی از نتایج عملکردی شرکت ارائه می دهد، به صورت بالقوه موجب قضاوت نادرست سهامداران و سرمایه گذاران در خصوص عملکرد واحدهای اقتصادی و مدیران آن ها می شود و نه تنها منجر به تضییع اصل و سود سرمایه آن ها شده، بلکه نوعی بدبینی در میان سهامداران به وجود می آورد و رقابت سالم بین واحدهای اقتصادی کشور را از بین می برد (قدرتی و فیضی، ۱۳۹۴). مدیران در حدود قدرتشان که ناشی از آزادی عمل در چارچوب اصول و روش های پذیرفته شده حسابداری است، با استفاده از ابزارهای خاصی در حسابداری جهت کاستن نوسانات سود، به مدیریت سود می پردازند؛ بنابراین تشخیص مدیریت سود و شناخت ابزارهای پنهان کردن آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مدیران با مدیریت سود باعث مغایرت منافع عمومی استفاده کنندگان و منافع عده ای خاص می شوند. علیرغم حسابرسی صورتهای مالی، به دلیل انعطاف پذیر بودن استانداردهای حسابداری، مدیر به آسانی می تواند با هموارسازی سود، منافع سرمایه گذاران را تحت الشعاع قرار دهد. مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می کند. این کار با هدف گمراه کردن سهامداران و در جهت تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که به ارقام حسابداری بستگی دارند.

ابزارهای مدیریت سود

مدیران در مدیریت سود از ابزارهای مختلفی بهره می برند:

دستکاری روشهای حسابداری که شامل انتخاب از بین روشهای مختلف (مانند تغییر از روش میانگین به روش FIFO در ارزیابی موجودی کالا) و یا تغییر در نرخ های برآوردی (مانند کاهش نرخ مطالبات مشکوک الوصول یا عمر مفید دارایی های ثابت، ذخیره هزینه تضمین کالا و ذخیره کاهش ارزش موجودی کالا) است.

1. Schipper
2. Scott

1. Income Smoothing

کنترل ارقام تعهدی دیگر روش پرکاربرد در مدیریت سود است که از این طریق مدیران واحدهای تجاری به اقداماتی مانند انتخاب رویه‌ها و سیاست‌های اعتباری فروش روی می‌آورند تا از این معجزا بتوانند افزایش فروش را در صورتهای مالی و عملکرد واحد تجاری منعکس نمایند.

استفاده از **تصمیمات اقتصادی** در جهت هماهنگ سازی مبلغ سود گزارش شده شرکت با برنامه‌ها و اهداف مدیریت واحد تجاری از روش‌های شناخته شده در مدیریت سود است که مدیران با بکارگیری روش‌هایی از جمله کاهش هزینه‌ها به ویژه هزینه‌های R&D و تبلیغات سعی بر تطابق سود با خواسته‌های خود دارند.

چرا مدیران به مدیریت سود روی می‌آورند و انگیزه آن‌ها از این اقدام چیست؟

اسکات انگیزه‌های مدیران از مدیریت سود را به شرح زیر دسته بندی می‌کند:

انگیزه پاداش: در صورتی که عملکرد که مدیر بر اساس سود واحد تجاری سنجیده شود، مدیر این انگیزه را دارد که با افزایش سود اعلامی، پاداش خود را نیز افزایش دهد.

قرارداد بدهی: چنانچه واحد تجاری تصمیم بر اخذ منابع مالی از بانک‌ها و یا مؤسسات مالی را داشته باشد می‌بایست نسبت مناسب از بدهی را در واحد تجاری رعایت نماید. از این روی مدیران این تمایل را دارند با افزایش مبلغ سود و دارایی‌های واحد تجاری این نسبت را کاهش و رضایت بانک را جلب نمایند.

انگیزه مالیاتی: مالیات به عنوان یکی از مهمترین هزینه‌ها در واحدهای تجاری که تدثیر زیادی بر روی نقدینگی شرکت دارد همواره مدنظر مدیران بوده و در مواردی برای کاهش مالیات پرداختی و خروج کمتر وجه نقد از واحد تجاری اقدام به مدیریت سود و کاهش آن می‌نمایند.

انگیزه عرضه سهام در بورس: شرکت‌ها در زمانی که می‌خواهند سهام خود را در بورس عرضه کنند، برای تعیین قیمت بالاتر سهام خود، از طریق افزایش سود شرکت، سود را مدیریت کرده و بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارند.

انگیزه انتصاب مدیر جدید: مدیران جدید در سالی که مدیریت شرکت را در دست می‌گیرند این انگیزه را دارند که سود امسال را کاهش داده و به نوعی عملکرد خود در سال‌های بعد را بهبود ببخشند. در واقع با استفاده از روش‌های مدیریت سود پتانسیل شرکت در سندآوری در سال جاری را به سال بعد موکول نمایند.

انگیزه هزینه‌های سیاسی: این انگیزه پیش‌بینی می‌کند که اگر واحد تجاری و مدیران آن در کانون توجه سیاسی قرار بگیرند این انگیزه در آن‌ها ایجاد می‌شود که روش‌های حسابداری را بکار گیرند که سود را کمتر نشان داده و به واسطه آن انجام اقدامات سیاسی علیه واحد تجاری و هزینه‌های مورد انتظار آن کاهش یابد.

لی (۲۰۰۸) در تحقیقی، رابطه بین قابلیت خوانایی گزارش‌های سالانه شرکت و عملکرد مالی را بررسی کرد. او در این تحقیق از شاخص فوگک ۷ که در زبان شناسی تعریف شده است، استفاده کرد. این شاخص معیاری برای اندازه گیری قابلیت خوانایی است و بالا بودن آن نشان دهنده پیچیده بودن افشا و به بیان دیگر پایین بودن قابلیت خوانایی متن

گزارش است. لی دریافت که رابطه معکوسی بین فوگ و سطح سود وجود دارد. نتیجه تحقیق او نشان داد که مدیران از افشای پیچیده استفاده می کنند تا اخبار بد یا عملکرد بد آن‌ها در گزارش های شرکت به آسانی مشخص نشود. **نین چن و همکاران (۲۰۱۳)** به بررسی تأثیر قوانین افشا بر مدیریت سود ناشی از معاملات با اشخاص وابسته پرداختند، آن‌ها در پژوهش خود بر ای اندازه گیری مدیریت سود، مدل تعدیل شده جونز را به کار بردند و به این نتیجه رسیدند که به دنبال قوانین افشای تصویب شده در کشور تایوان در نوامبر سال ۲۰۰۰، در تعداد موارد مدیریت سود مشاهده شده در شرکت های تایوانی، کاهشی رخ داده است؛ به طور کلی آن‌ها بیان کردند قوانین افشا، مدیریت سود را کاهش می دهد. **لو و همکاران (۲۰۱۶)** در تحقیقی که به بررسی رابطه مدیریت سود و خوانایی گزارش های مالی سالانه شرکت ها می پردازد، دریافتند که بین مدیریت سود و خوانایی گزارش های سالانه شرکت ها رابطه منفی معناداری وجود دارد؛ به این ترتیب که شرکت هایی که در یک سال مالی اقدام به مدیریت سود نموده اند، گزارش های مالی آن سال را پیچیده تر و طولانیتر ارائه می کنند تا اقدامات آنها (مدیریت) در جهت مدیریت سود از دید استفاده کنندگان گزارش ها پنهان بماند. **آجینا و همکاران (۲۰۱۶)** با انتخاب نمونه ای از ۱۶۳ شرکت حاضر در بورس سهام فرانسه به بررسی رابطه بین مدیریت سود و خوانایی گزارش های مالی سالانه شرکت ها پرداختند. یافته های تحقیق نشان داد که بین مدیریت سود و خوانایی گزارش های مالی سالانه شرکت ها رابطه منفی معناداری وجود دارد.

در ایران نیز **فخاری و هدایت تبار (۱۳۹۰)** در پژوهش خود به بررسی اثر افشا بر مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش آنها برای اندازه گیری افشا، از فهرست افشایی که وزن دهی آن براساس نظر خبرگان بود، استفاده کردند و ارتباط آن را با حجم اقلام تعهدی غیرعادی، به منزله شاخص مدیریت سود، مورد بررسی قرار دادند. نتایج کار آن‌ها حاکی از ارتباط منفی بین کیفیت افشا و مدیریت سود است. در پژوهشی دیگر **سرهنگی و همکاران (۱۳۹۲)** نیز به بررسی اثر پیچیدگی گزارشگری مالی بر رفتار معاملاتی سرمایه گذاران در بازار سرمایه ایران برای ۳۰ شرکت بین سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین حجم غیرعادی معاملات با معیار پیچیدگی گزارش های مالی فوگ، رابطه معناداری وجود ندارد اما بین حجم غیرعادی معاملات با شاخص طول سند برای پیچیدگی گزارش های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. در تحقیقی **صفری و همکاران (۱۳۹۶)** به بررسی رابطه بین مدیریت سود و خوانایی گزارش سالانه در ۹۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آن‌ها برای اندازه گیری خوانایی از دو شاخص فوگ و طول سند استفاده کردند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد رابطه منفی معناداری بین مدیریت سود و خوانایی گزارشگری مالی شرکت ها وجود دارد و این امر را تاییدی بر رویکرد فرصت طلبانه مدیریت سود تلقی کردند.

نتیجه گیری

امروزه مباحث مرتبط با پیچیدگی گزارشگری مالی در دنیا برای استاندارد گذاران بین‌المللی اهمیت فزاینده‌ای یافته‌است. مدیران انگیزه دارند تا در شرایط بد، گزارش‌های خود را پیچیده‌تر و طولانی‌تر ارائه دهند، زیرا ممکن است بازار به اطلاعاتی که به شکل پیچیده‌ای ارائه شده با تاخیر واکنش نشان دهد (سرهنگی و همکاران، ۱۳۹۳). بر همین اساس انتظار می‌رود هنگامی که مدیران اقدام به مدیریت سود می‌کنند، گزارش‌های مالی خود را به نحوی ارائه کنند که خوانایی کمتری داشته باشد تا استفاده‌کنندگان از این گزارش‌ها نتوانند به اقدام آنها در جهت مدیریت سود پی ببرند. از زمان ارائه نظریه حسابداری سیاسی و قراردادی توسط واتز و زیمرمن در اواخر دهه ۱۹۷۰، مدیریت سود فرصت طلبانه همواره به عنوان یکی از موضوع‌های بحث برانگیز در حوزه حسابداری بوده است. براساس این رویکرد، شرکت‌های دارای مدیریت سود گزارش‌های مالی دشوار و با خوانایی کمتر منتشر می‌کنند. با توجه به این که خوانایی شاخصی مهم در اندازه‌گیری کیفیت اطلاعات محسوب می‌شود، باعث جذب و ترغیب سرمایه گذاران به مشارکت در بازار سرمایه می‌شود از این رو، پژوهش حاضر اثر خوانایی گزارشگری مالی شرکت‌ها بر مدیریت سود بر را مورد بررسی قرار داده است. نتایج بررسی حاکی از آن است که اعمال مدیریت سود موجب کاهش خوانایی گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌شود. مطابق با رویکرد مدیریت سود فرصت طلبانه، شرکت‌های دارای مدیریت سود، گزارش‌های مالی پیچیده‌تر و با خوانایی کمتری منتشر می‌کند تا بدین طریق رفتار فرصت طلبانه مدیران را پنهان نموده و امکان شناسایی آن توسط سرمایه گذاران، تحلیلگران مالی و سایر نهادهای قانونی را کاهش دهند. (داداشی و نوروزی، ۱۳۹۹)

منابع فارسی:

۱. احمدی، آمنه و قائمی، محمدحسین، مدیریت سود واقعی و خوانایی گزارشگری مالی، سازمان حسابرسی، زمستان ۹۷.
۲. داداشی، ایمان و نوروزی، محمد، بررسی اثر میانجی خوانایی گزارشگری مالی بر رابطه بین مدیریت سود و هزینه سرمایه، مجله دانش حسابداری، بهار ۹۹.
۳. دیانی، محمدحسین، معیاری برای تعیین سطح خوانایی نوشته‌های فارسی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹.
۴. جبارزاده کنگرلویی، سعید و متوسل، مرتضی و بهنمون، یعقوب، تأثیر مدیریت سود و محدودیت مالی بر خوانایی گزارشگری مالی، فصلنامه بورس اوراق بهادار شماره ۴۶، تابستان ۹۸.
۵. رضوانی فر، فریبا و برندک، سجاد، خوانایی گزارشگری مالی و هزینه‌های حسابرسی، فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۱۳۹۸.
۶. سرهنگی، حجت و ابراهیمی، سعید و اله یاری، حمید، بررسی اثر پیچیدگی گزارشگری مالی بر رفتار معاملاتی سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ایران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۳.

۷. صفری گرایلی، مهدی؛ رضائی پشته نویی، یاسر، نوروزی، محمد، مدیریت سود و خوانایی گزارشگری مالی: آزمون تجربی رویکرد فرصت طلبانه، دانش حسابرسی، ۱۳۹۶.
۸. صفری گرایلی، مهدی؛ رضائی پشته نویی، یاسر، توانایی مدیریت و خوانایی گزارشگری مالی: آزمون نظریه علامت دهی، دانش حسابداری، ۱۳۹۷.
۹. فخاری، حسین و هدایت تبار، سحر، مطالعه رابطه بین کیفیت افشا و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نهمین همایش سراسری حسابداری ایران، ۱۳۹۰.
۱۰. فضل الهی، سیف الله، ملکی توانا، منصور، روش شناسی تحلیل با تأکید بر تکنیک های خوانایی سنجی و تعیین ضریب درگیری متون، عیار پژوهش در علوم انسانی، ۱۳۸۹.
۱۱. نوروزی، محمد و آذین فر، کاوه و عباسی، ابراهیم و داداشی، ایمان، طراحی مدل و ارزیابی نقش تعدیلی توانایی مدیریت بر رابطه بین خوانایی گزارشگری مالی و هزینه نمایندگی، پژوهش های حسابداری مالی. ۱۳۹۹.
12. Ajina A., Danielle S., Lakhal F., Corporate Disclosures, Information Asymmetry and Stock-Market Liquidity in France, The Journal of Applied Business Research, 2016.
13. Bloomfield R. J., The Incomplete Revelation Hypothesis and Financial Reporting, Accounting Horizons, 2002.
14. Chapman Craig J., The Effects of Real Earnings Management on the Firm, Its Competitors and Subsequent Reporting Periods, working paper, Kellogg School of Management, 2011.
15. Cohen, D., and P. Zarowin., Accrual-based and Real Earnings Management Activities around Seasoned Equity Offerings, Journal of Accounting and Economics, 2010.
16. Li F., Annual Report Readability, Current Earnings and Earnings Persistence. Journal of Accounting and Economics, 2008.
17. Lo Kin., Ramos Felipe., Rogo Rafael. Earnings management and annual report readability. Journal of Accounting and Economics, 2017.
18. Tarjo, Anggono, Alexander. Abusive Earnings Management and Annual Report Readability, Advances in Economics, Business and Management Research. 2020.
19. Perols Johan L., Lougee, Barbara A. The relation between earnings management and financial statement fraud. Advanced in Accounting, incorporating Advances in international Accounting, 2017.

Title: The effect of earnings management on the complexity and length of corporate financial reporting text

Matin ghasemi¹

Shohreh shiri²

Mostafa ghasemi³

Date of Receipt: 2021/09/23 Date of Issue: 2021/10/06

Abstract

The financial crises of the late 1990s further highlighted the value and importance of transparent and standard financial reporting. An analysis of what happened in Enron & WorldCom's crisis and scandal shows that managers use complex and lengthy disclosures to keep some of their information secret from investors and other stakeholders in order to not simply identify their bad news or bad performance in company reports. These managers render company's reports in an acceptable way to legal authorities, but in some cases, using lengthy disclosure makes it difficult to be analyzed by investors and stakeholders. Managers of companies that have applied earning management, even though they disclose good news, have an incentive to keep the ways of accessing this news secret. In other words, while the actual performance of the company is different from what is reported, managers have an incentive to make it more difficult for investors to identify earnings management behavior by making financial reports more complex and difficult.

Key words

Earning management, financial reporting, financial reporting readability, Complexity.

1. PhD student, Islamic Azad University, Bushehr Branch, Department of Accounting.
2. PhD student, Islamic Azad University, Bushehr Branch, Department of Accounting.
3. Assistant Professor, Islamic Azad University, Bushehr Branch, Department of Accounting.